جان و جانان: امام زمان(عج) از نگاه مقام معظم رهبرى

مرتضى نائينى

امروز وجود مقدس حضرت حجّت - ارواحنا فداه - در ميان انسان‏هاي روي زمين، منبع بركت، منبع علم، منبع درخشندگي، زيبايي و همه خيرات است.

...براي انساني كه داراي معرفت باشد، موهبتي از اين برتر نيست كه احساس كند، وليّ خدا، امام بر حق، عبد صالح، بنده برگزيده در ميان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهي در زمين، با او و در كنار او است؛ او را مي‏بيند و با او مرتبط است.(1)

مهدي موعود (عج)، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهي است و كساني كه بتوانند با اين كانون شعاع رحمت و تفضلات الهي، ارتباط روحي و معنوي برقرار كنند، در تقرّب به خداوند، توفيق بيشتري مي‏يابند؛ زيرا نفس توسّل و توجّه و ارتباط قلبي با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحي و معنوي انسان مي‏شود.(2)

... يكي از آن خورشيدهاي فروزان، به فضل و كمك پروردگار و به اراده الهي، امروز در زمان ما به عنوان ((بقية اللَّه في ارضه))؛ به عنوان ((حجة اللَّه علي عباده))؛ به عنوان ((صاحب زمان)) و ((وليّ مطلق الهي در روي زمين)) وجود دارد. بركات وجود او، [و ]انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر مي‏رسد... اين خورشيد معنوي و الهي بازمانده اهل‏بيت(ع) است.(3)

ولي عصر - صلوات اللَّه عليه - ميراثْ برِ همه پيامبران الهي است.(4)

امام بزرگوار و عزيز و معصوم و قطب عالم امكان و ملجأ همه خلايق، اگرچه غايب است و ظهور نكرده، امّا حضور دارد.(5)

امام زمان (عج) امانت و گوهر درخشنده عظيم آفرينش در ميان ما، امروز بي گمان بيش از هر زمان، متوجّه و مراقب اين ملّت است.(6)

نقش مهدويت

اميد

اعتقاد به مهدويت، به وجود مقدّس مهدي موعود - ارواحنا فداه - اميد را در دلها زنده مي‏كند. هيچ وقت انساني كه معتقد به اين اصل است، نا اميد نمي‏شود؛ چرا؟ چون مي‏داند يك پايان روشن حتمي، وجود دارد... سعي مي‏كند كه خودش را به آن برساند.(7)

اعتقاد به قضيه مهدي (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجينه عظيمي است كه ملّت‏ها مي‏توانند از آن، بهره‏هاي فراواني ببرند. شما كشتي‏اي را در يك درياي طوفاني فرض كنيد. اگر كساني كه در اين كشتي هستند، عقيده داشته باشند؛ كه اطراف آنها تا هزار فرسنگ، هيچ ساحلي وجود ندارد و آب و نان و وسايل حركت اندكي داشته باشند، كساني كه در اين كشتي هستند، چه كار مي‏كنند؟ آيا هيچ تصوّر مي‏شود كه اينها براي آن‏كه حركت كنند و كشتي را پيش ببرند، تلاشي بكنند ؟ نه، چون به نظر خودشان، مرگشان حتمي است. وقتي انسان مرگش حتمي است، ديگر چه حركت و تلاشي بايد بكند؟ اميد و افقي وجود ندارد. يكي از كارهايي كه مي‏توانند انجام دهند، اين است كه در اين مجموعه كوچك، هركس به كار خودش سرگرم شود. آن كسي كه اهل آرام مردن است، بخوابد تا بميرد و آن‏كه اهل تجاوز به ديگران است، حقّ ديگران را بگيرد تا آن‏كه چند ساعتي بيشتر زنده بماند.

طور ديگر هم اين است كه كساني كه در همين كشتي هستند، يقين داشته باشند و بدانند كه در نزديكي آنها، ساحلي وجود دارد. حالا اگر دور و يا نزديك است و چقدر كار دارند تا به آن‏جا برسند، معلوم نيست. امّا قطعاً ساحلي كه در دسترس آنها است، وجود دارد. اين افراد چه كار مي‏كنند؟ اينها تلاش مي‏كنند كه خود را به آن ساحل، برسانند و اگر يك ساعت هم به آنها وقت داده بشود؛ از آن يك ساعت براي حركت و تلاش صحيح و جهت دار استفاده خواهند كرد، و فكرشان را روي هم خواهند ريخت و تلاش‏شان را يكي خواهند كرد تا شايد بتوانند خود را به آن ساحل برسانند .

((اميد))، چنين نقشي دارد . همين قدر كه اميدي در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال‏هاي خود را جمع مي‏كند و كنار مي‏رود. اميد موجب مي‏شود، انسان تلاش و حركت كند؛ پيش ببرد؛ مبارزه كند و زنده بماند. فرض كنيد ملّتي در زير سلطه ظالمانه قدرت مسلّطي، قرار دارد و هيچ اميدي هم ندارد. اين ملّت مجبور است، تسليم بشود. اگر تسليم نشد، كارهاي كور و بي جهتي انجام مي‏دهد؛ امّا اگر اين ملّت و جماعت، اميدي در دلشان باشد و بدانند كه عاقبت خوبي حتماً وجود دارد، اينها چه مي‏كنند؟ طبيعي است كه مبارزه خواهند كرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعي در راه مبارزه وجود داشته باشد، او را برطرف خواهند كرد.

بشريت در طول تاريخ و در حيات اجتماعي، مثل همان سرنشينان يك كشتي طوفان زده، هميشه گرفتار مشكلاتي از سوي قدرتمندان، ستمگران، قوي دستان و مسلّطين بر امور انسان‏هاي مظلوم بوده است. اميد، موجب مي‏شود كه انسان، مبارزه كند و راه را باز نمايد و پيش برود. وقتي به شما مي‏گويند انتظار بكشيد؛ يعني، اين وضعيتي كه امروز شما را رنج مي‏دهد و دلتان را به درد مي‏آورد، ابدي نيست و تمام خواهد شد. ببينيد چقدر انسان، حيات و نشاط پيدا مي‏كند. اين، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات اللَّه عليه و ارواحنا فداه - است. اين نقش اعتقاد به مهدي موعود مي‏باشد. اين عقيده است كه شيعه راتا امروز، از آن همه پيچ وخم‏هاي عجيب وغريبي كه در سرراهش قرار داده بودند ، عبور داده است.(8)

مجاهدت‏

ايمان و اعتقاد به امام زمان (عج)، مانع از تسليم شدن است و ملّت هاي با ايماني كه حضور قطب عالم امكان را در ميان خود احساس مي‏كنند، از حضور او اميد و نشاط مي‏گيرند و براي مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت مي‏كنند و با تكيه بر همين اميد درخشان بود كه ملّت بزرگ ايران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاريخ بشر و تاريخ اسلام شد.(9)

عقيده به امام زمان (عج) نمي‏گذارد مردم تسليم بشوند؛ به شرطي كه اين عقيده را درست بفهمند . وقتي كه اين عقيده به طور حقيقي در دل‏ها جا بگيرد، حضور امام غايب در ميان مردم حس مي‏شود.(10)

چند خصوصيّت در اين عقيده ((مهدويت)) هست كه اين خصوصيات براي هر ملّتي، در حكم خون در كالبد و در حكم روح در جسم است. يكي، ((اميد)) است. گاهي اوقات دست‏هاي قلدر و قدرتمند، ملّت‏هاي ضعيف را به جايي مي‏رسانند كه اميدشان را از دست مي‏دهند. وقتي اميد را از دست دادند، ديگر هيچ اقدام نمي‏كنند؛ مي‏گويند چه فايده‏اي دارد ؟ ما كه ديگر كار از كارمان گذشته است ، با چه كسي در بيفتيم ؟ چه اقدامي بكنيم؟ براي چه تلاش بكنيم ؟ ما كه ديگر نمي‏توانيم!(11)

مصلح كل‏

آرزوي همه بشر ، وجود چنين عنصر والايي است. عُقده‏هاي فرو خورده انسان‏ها در طول تاريخ ، چشم به انتهاي اين افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزيده‏اي از برگزيدگان خدا بيايد ، تار و پود ظلم و ستم را - كه انسان‏هاي شرير درهمه تاريخ تنيده‏اند - از هم بدرد.(12)

همه اديان و مذاهب، عقيده دارند كه يك منجي و يك دست مقتدر الهي در مقطعي از تاريخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه گري خواهد كرد.(13)

همه فِرَق اسلامي، معتقدند كه مهدي (عج) از نسل طيّب و طاهر پيغمبر، عالم را مملو از عدل و داد و براي اقامه دين خدا و حقّ الهي قيام خواهد كرد.

غير مسلمان‏ها هم به نحوي، معتقد به يك آينده مطلوب و درخشاني براي بشريت هستند كه با همين مسأله مهدويّت، تطبيق مي‏كند.(14)

همه مسلمانان ، حقيقت مهدي موعود را، از طريق روايات خدشه ناپذيري كه از نبيّ اكرم(ص) و اولياي دين رسيده است، قبول دارند.(15)

مسأله مهدي موعود، متّفقٌ اليه ميان همه مسلمانان است و شيعه و سنّي به وجود منجي و مصلحي با آن خصوصيات معترف‏اند كه خواهد آمد و سراسر گيتي را از عدل و داد پر خواهد كرد.(16)

اين عقيده كه همه مسلمان‏ها هم به آن معتقدند، مخصوص شيعه نيست. البته در خصوصيات و جزئياتش، بعضي فِرَق، حرف‏هاي ديگري دارند؛ امّا اصل اين‏كه چنين دوراني پيش خواهد آمد و يك نفر از خاندان پيامبر(ص) چنين حركت عظيم الهي را انجام خواهد داد و ((جَ‏لَأُ اللَّه بِهِ الارضَ قِسطاً وَ عَدلاً كَأ مُلِئَت ظُلماً وَ جوراً)) بين مسلمان‏ها متواتر است، همه اين را قبول دارند . اين عقيده از آن عقايد بسيار كارگشا است.(17)

شيعه و مهدويّت‏

فرقي كه ما شيعه‏ها، با ديگران و بقيه فِرَق اسلامي و غير اسلامي داريم، اين است كه ما اين شخص عظيم و عزيز را مي‏شناسيم؛ اسمش را مي‏دانيم؛ تاريخ ولادتش را مي‏دانيم؛ پدر و مادر عزيزش را مي‏شناسيم و قضايايش را مي‏دانيم؛ ولي ديگران اينها را نمي‏دانند. آنها عقيده پيدا نكردند، يا باخبر نشدند و نمي‏دانند؛ ولي ما مي‏دانيم، تفاوت اين‏جا است. به همين دليل است كه توسّلات شيعه، زنده‏تر، پر شورتر، با معناتر و با جهت‏تر است.(18)

خصوصيت اعتقاد شيعه در اين مسأله، اين است كه يك موضوع كلّي را با همه خصوصياتش، با معرّفي كامل شخص مي‏شناسد، در ابهام نيست.

ما، وليّ و سيّد خود را، سرور و سالار عالميان - را كه امام ما - است مي‏شناسيم. پدر، مادر، تاريخ تولّد و قضاياي ولادت مبارك او را مي‏دانيم. كساني اين قضايا را با خبرهاي صادق و موثّق نقل كرده‏اند، همه اينها براي ما روشن است؛ لذا ما مي‏دانيم كه عشق ما، دل ما و ايمان ما، متوجّه و متعلّق به كيست.(19)

اين حقيقت، در هيچ جاي جهان اسلام، مثل محيط زندگي ملّت عزيز ما و شيعيان، اين برجستگي و اين چهره درخشان و اين روح پر تپش و پر اميد را ندارد. اين به خاطر آن است كه ما، به بركت روايات متواتره خودمان، شخص مهدي موعود (عج) را با خصوصياتش مي‏شناسيم.(20)

عيد اللَّه الاكبر

روز ولادت مهدي موعود - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - حقيقتاً روز عيد همه انسان‏هاي پاك و آزاده عالم است. فقط كساني در اين روز، ممكن است احساس شادي و خرسندي نكنند كه يا جزو پايه‏هاي ظلم و يا جزو پيروان طواغيت و ستمگران عالم باشند؛ و الاّ كدام انسان آزاده‏اي است كه از گسترش عدالت، از بر افراشته شدن پرچم دادگري و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نكند!(21)

تفاوت عيد ولادت ((حضرت بقية اللَّه)) با بقيه اعياد اسلامي اين است كه اعياد بزرگ، همه از گذشته حكايت مي‏كنند؛ امّا عيد ولادت حضرت بقيةاللَّه به آينده نويد مي‏دهد. براي همين است كه دل‏هاي مؤمنان، به اين روز بزرگ و اين ولادت عظيم، وابسته است.(22)

روز نيمه شعبان، روز اميد و ايمان به آينده، روز مجاهدان پاكباز و صادق و روز نگاه به آينده روشن و تلاش براي آن است.(23)

روز ولادت حضرت مهدي موعود - ارواحنا فداه - يك عيد حقيقي، براي همه افراد بشر و آن كساني كه ستمي كشيدند؛ رنجي بردند؛ دلي سوزاندند؛ اشكي ريختند و انتظاري كشيدند و كساني كه با مشاهده ناملايمات، در طول حيات خود و در هر نقطه‏اي از عالم - و حتّي در نقطه‏اي از تاريخ - مصيبتي تحمّل كرده‏اند؛ است. همه آنها در مثل چنين روزي و به ياد امروز، احساس شادماني و اميد و نشاط كرده‏اند.

اين ولادت بزرگ و اين حقيقت عظيم، متعلّق به يك ملّت و يك زمان خاص نيست؛ بلكه متعلّق به بشريّت است. اين ((ميثاق اللَّه الَّذي‏ أَخذَهُ وَ وَكَّدَهُ)) ميثاق خدا با انسان است. ((وَعْدَ اللَّه الَّذي‏ ضَمِنَهُ)) اين وعده خدا است كه تحقّق آن را ضمانت كرده است. همه انسان‏هاي طول تاريخ، نسبت به اين پديده عظيم و شگفت آور، احساس نياز معنوي و قلبي كرده‏اند؛ چون تاريخ از اوّل تا امروز و از امروز تا لحظه طلوع آن خورشيد جهان تاب ، با ظلم و بدي و پليدي، آميخته بوده است.

همه كساني كه از ظلمي رنج برده‏اند - چه آنهايي كه به خود آنان ظلم شده است و رنج برده‏اند و چه كساني كه به ستم كشي ديگران نگاه كرده‏اند و رنج برده‏اند - با ياد ولادت اين منجي عظيم تاريخ و بشر ، در دلشان اميدي به وجود مي‏آيد.

... روز ولادت ، براي همه بشر و تاريخ - حتّي براي گذشتگان - عيد است. كساني كه در دوران تاريك فرعون‏ها، نمرودها، ابوجهل‏ها و سلاطين ظالم، در فقر و ظلم و تبعيض سر كردند و مردند و رنج كشيدند و روي خوبي نديدند، امروز (نيمه شعبان) براي آنها هم عيد است .

اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضي از تفضّلاتي كه پاره‏اي از ارواح برخوردارند، بهره‏مند باشند؛ يقيناً آنها هم مثل چنين روزي، شادي خواهند كرد. امروز با بقيه ايّام و اعياد تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را ((عيد اللَّه الاكق)) بناميم، مبالغه و گزاف نيست.(24)

عطر حضور

امام بزرگوار و عزيز و معصوم و قطب عالم امكان و ملجأ همه خلايق، اگرچه غايب است و ظهور نكرده؛ امّا حضور دارد. مگر مي‏شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، اين حضور را در دل خود و با وجود و حواسّ خويش، حسّ مي‏كند. آن مردمي كه مي‏نشينند، راز و نياز مي‏كنند، دعاي ((ندبه)) را با توجّه مي‏خوانند، زيارت ((آل ياسين)) را زمزمه مي‏كنند و مي‏نالند؛ مي‏فهمند چه مي‏گويند. آنها حضور اين بزرگوار را حس مي‏كنند، لو هنوز ظاهر نشده و غايب است. غيبت او، به احساس حضورش ضرري نمي‏زند. ظهور نكرده است؛ امّا هم در دل‏ها و هم در متن زندگي ملّت حضور دارد. مگر مي‏شود حضور نداشته باشد؟

شيعه خوب، كسي است كه اين حضور را حس كند و خود را در حضور او احساس نمايد. اين ، به انسان اميد و نشاط مي‏بخشد.(25)

يكي از آن خورشيدهاي فروزان، به فضل و كمك پروردگار و به اراده الهي، امروز در زمان ما به عنوان ((بقيّة اللَّه في ارضه))، به عنوان ((حجّة اللَّه علي عباده))، به عنوان ((صاحب زمان)) و ((وليّ مطلق الهي)) در روي زمين وجود دارد. بركات وجود او، انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر مي‏رسد)).(26)

امروز وجود مقدّس حضرت حجّت - ارواحنا فداه - در ميان انسان‏هاي روي زمين، منبع بركت، منبع علم، منبع درخشندگي، زيبايي و همه خيرات است .

چشم‏هاي ناقابل و تيره ما، آن چهره ملكوتي را از نزديك نمي‏بيند؛ امّا او مثل خورشيدي درخشان است. با دل‏ها مرتبط و با روح‏ها و باطن‏ها متّصل است و براي انساني كه داراي معرفت باشد، موهبتي از اين برتر نيست كه احساس كند، وليّ خدا، امام بر حق، عبد صالح، بنده برگزيده، در ميان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهي در زمين، با او و در كنار او است. او را مي‏بيند و با او مرتبط است.(27)

اين بزرگوار، در فضاي ذهني و معنوي جامعه ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نيز با آن حضرت، قلباً در ارتباط هستند. اين ارتباط، به معناي حقيقي كلمه، دو جانبه است و در حالات برجسته شور و محبّت و احساس و عواطفي كه ملّت ايران، نسبت به اين بزرگوار دارند، اين ارتباط طرفيني است.(28)

امام معصوم و بازمانده عترت پيغمبر و اهل‏بيت(ع)، در طول اين زمان هاي اخير، در ميان جوامع بشري بوده است؛ امروز هم در ميان ما است.(29)

ارتباط قلبي و معنوي بين آحاد مردم و امام زمان (عج)، اميد و انتظار را به طور دائم در دل آنها زنده نگه مي‏دارد و اين خود، يكي از پر بركت‏ترين حالات انساني است.(30)

اهل معنا و باطن، در توسّلات معنوي خود، اين بزرگوار را مورد توجّه و نظر دائمي قرار مي‏دهند و به آن حضرت توسّل مي‏جويند و توجّه مي‏كنند. نفس پيوند قلبي و تذكّر و توجّه روحي به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالي ، انسان را عروج و رشد مي‏دهد و وسيله پيشرفت انسان را - روحاً و معناً - فراهم مي‏كند .

اين، يك ميدان وسيعي است. هر كسي در باطن و قلب و دل و جان خود، با اين بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته، توجّه به كانون نور، بايد توجّه حقيقي باشد.

لقلقه زبان در اين زمينه، تأثير چنداني ندارد. اگر انسان، روحاً متوجّه و متوسّل شد و معرفت كافي براي خود به وجود آورد، بهره خودش را خواهد برد. اين، يك ميدان فردي و تكامل شخصي و معنوي است.(31)

نزديك شدن به امام زمان (عج)، نه نزديك شدن در مكان هست و نه نزديك شدن به زمان. شما كه مي‏خواهيد به ظهور امام زمان (عج) نزديك بشويد؛ ظهور امام زمان (عج) يك تاريخ معيّني ندارد كه صد سال ديگر مثلاً يا پنجاه سال ديگر... تا ما بگوييم كه ما از اين پنجاه سال، يك سال و دو سال و سه سالش را گذرانديم، چهل و شش سال و چهل و هفت سال ديگر باقي مانده [است‏]. نه؛ از لحاظ مكان هم نيست كه ما بگوييم: ما از اين‏جا حركت مي‏كنيم به طرف مثلاً شرق يا غرب عالم يا شمال يا جنوب عالم، تا ببينيم كه ولي‏عصر(عج) كجا است و به او برسيم، نه.

نزديك شدن ما به امام زمان (عج) يك نزديك شدن معنوي است؛ يعني، شما در هر زماني تا پنج سال ديگر، تا ده سال ديگر، تا صد سال ديگر كه بتوانيد كيفيت و كميت جامعه اسلامي را افزايش بدهيد، امام زمان - صلوات اللَّه عليه - ظهور خواهد كرد.(32)

انتظار

مفهوم‏

انتظار ((فرج ))... يعني، انتظار حاكميّت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نيستيد. حتّي به همين پيشرفتي هم كه با انقلاب اسلامي به دست آورديد، قانع نيستيد. مي‏خواهيد باز هم به حاكميت قرآن و اسلام، نزديك‏تر بشويد. اين انتظار ((فرج)) است. انتظار فرج، يعني، انتظار گشايش از كار انسانيّت .

امروز كار انسانيت، در گره‏هاي سخت، پيچيده و گره خورده است .

...، امروز فرهنگ مادّي، به زور به انسان‏ها تحميل شده است؛ اين يك گره است. امروز در سطح دنيا، تبعيض انسان‏ها را مي‏آزارد؛ اين گره بزرگي است.

امروز كارِ ذهنيتِ غلط مردم دنيا را به آن‏جا رسانده است كه فرياد عدالت‏خواه يك ملّت انقلابي، در ميان عربده‏هاي مستانه قدرت گرايان و قدرتمندان گم مي‏شود؛ اين يك گره است.

امروز مستضعفان آفريقا و آمريكاي لاتين، ميليون‏ها انسان گرسنه آسيا و آسياي دور، ميليون‏ها انسان رنگين پوستي كه از ستم تبعيض نژادي رنج مي‏برند؛ چشم اميدشان به يك فريادرس و نجات بخش است و قدرت هاي بزرگ نمي‏گذارند، نداي اين نجات‏بخش به گوش آنها برسد؛ اين يك گره است.

فرج؛ يعني، باز شدن اين گره‏ها. ديد را وسيع كنيم؛ به داخل خانه خودمان و زندگي معمولي خودمان محدود نشويم. در سطح دنيا ((انسانيت)) فرج مي‏طلبد؛ امّا راه ((فرج)) را نمي‏داند. شما ملّت انقلابي مسلمان، بايد با حركت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامي، به فرج جهاني انسانيّت نزديك بشويد و شما بايد به سوي ظهور مهدي موعود(عج) و انقلاب نهايي اسلامي بشريّت - كه سطح عالم را خواهد گرفت و همه اين گره‏ها را باز خواهد كرد - قدم به قدم، خودتان نزديك بشويد و بشريّت را نزديك كنيد. انتظار ((فرج)) اين است.(33)

((انتظار)) ظهور امام زمان (عج)، به معناي انتظار براي پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت براي همه انسان‏ها [و] انتظار رفع ظلم از صحنه زندگي بشر و انتظار فرا رسيدن دنيايي برتر از لحاظ معنوي و مادّي است.(34)

((انتظار)) به معناي اشتياق انسان، براي دسترسي به وضعي برتر و بالاتر است و اين حالتي است كه بشر هميشه بايد در خود حفظ كند و پيوسته در حال انتظار فرج الهي باشد.

گشايش ابواب رحمت و معرفت و سرازير شدن سرچشمه‏هاي معرفت بر دل انسان، يكي از عمومي‏ترين نمونه‏هاي انتظار فرج است.(35)

انتظار ظهور، اشتياق انسان‏هاي صالح براي گسترش عدالت است.(36)

انتظار؛ يعني، دل سرشار از اميد بودن نسبت به پايان راه زندگي بشر؛ ممكن است كساني آن دوران را نبينند و نتوانند درك كنند (فاصله هست)؛ امّا بلاشك آن دوران وجود دارد.(37)

ابعاد

انتظار فرج و اعتقاد به مهدويّت علاوه بر ابعاد منطقي، فكري و استدلالي بسيار بارز - آن داراي جنبه‏هاي عاطفي، معنوي و ايماني عميق و بسيار مهمّي است و اميد ناشي از ايمان و اعتقاد به وجود منجي، همواره سرمايه عظيم حركت‏هاي بزرگ در جوامع اسلامي و شيعي شده است.(38)

قانع نشدن به وضع موجود و تلاش فزاينده و مستمر در انجام اعمال نيك و خير، يك بُعد از انتظار است.

اميد به آينده‏اي روشن - كه در آن سراسر زندگي بشر را تفكّر الهي فرا خواهد گرفت - بُعد ديگر انتظار است . ملّت منتظر ايران، با تكيه بر اميد به پيشرفت و موفّقيّت، دست به اقدام ، تلاش و انقلاب زد و پيروز شد؛ لذا مردم ما بايد روح ((انتظار)) را به تمام معنا در زندگي خود زنده كنند.(39)

آثار

اين عقيده مبارك براي شيعه - آن وقتي كه آن را درست فهميده باشد و با آن درست رفتار بكند - يك منبع فيض و يك منبع نور است .

علاوه بر اينكه آحاد مردم مسلمان و معتقدان و شيعه، بايد در قلب و در عمل خود، سعي كنند كه رابطه معنوي و فكري را با آن بزرگوار حفظ بكنند و خود را به صورتي تربيت كنند و بار بياورند كه امام معصوم - كه به اراده الهي و با علم الهي، محيط به همه حركات ما است - از آنها راضي باشد؛ خود اين عقيده نيز آثار و خصوصياتي دارد كه اين خصوصيات براي همه ملّتها و براي ملّت مسلمان ما، حيات بخش است و عمده اين خصوصيات و آثار هم، عبارت است از ((اميد به آينده)).

امروز هر فرد شيعه، مي‏داند كه در يك آينده‏اي - آن آينده، ممكن است خيلي نزديك باشد، ممكن است دور دست باشد، به هر حال قطعي است - اين بساط ظلم و بي عدالتي و زورگويي، كه امروز در دنيا هست، برچيده خواهد شد. مي‏داند كه اين وضعي كه مستكبران در دنيا به وجود آورده‏اند - كه هر كسي حرف حقّي بزند و راه حقّي را دنبال كند، از طرف آنها مورد فشار قرار مي‏گيرد و اراده فاسد خودشان را بر ملّت‏ها تحميل مي‏كنند - يك روزي از بين خواهد رفت و گردن كشان، طاغيان، ياغيان و قدرت‏هاي زورگوي عالم، ناگزير خواهند شد كه در مقابل حقّ، تسليم بشوند يا از سر راه حركت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان - به خصوص هر فرد شيعه - اين را مي‏داند و به آن يقين دارد.

اين خيلي اميد بخش است. اين موجب مي‏شود كه هر انسان خيرخواه و مصلح و علاقه‏مند به صلاح ، كار و تلاش و مجاهدت خود را در راه صلاح، با اميد به آينده انجام بدهد. ببينيد اين عقيده چقدر ارزش‏مند، داراي تأثير و حيات بخش است.(40)

احساسات بسيار خوب است. عواطف پشتوانه بسياري از اعمال نيكوي انسان‏ها است. ايمان و عقيده قلبي، به وجود اين منجي عظيم عالم، شفابخش بسياري از بيماري‏ها و دردهاي معنوي و روحي و اجتماعي است.(41)

مردم ما، وليّ اللَّه اعظم و جانشين خدا در زمين و بقيه اهل بيت پيامبر را، با نام و خصوصيات مي‏شناسند؛ از لحاظ عاطفي و فكري با او ارتباط برقرار مي‏كنند؛ به او مي‏گويند؛ به او شِكوِه مي‏برند؛ از او مي‏خواهند و آن دوران آرماني (دوران حاكميّت ارزش‏هاي والاي الهي بر زندگي بشر) را انتظار مي‏برند. اين انتظار داراي ارزش زيادي است. اين انتظار به معناي آن است كه وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه اميد را از دل‏هاي منتظران نمي‏زدايد و خاموش نمي‏كند. اگر اين نقطه اميد در زندگي جمعيتي نباشد ، چاره‏اي ندارد جز اين‏كه به آينده بشريت، بدبين باشد.(42)

قبل از ظهور مهدي موعود (عج)، در ميدان‏هاي مجاهدت، انسان‏هاي پاك امتحان مي‏شوند. در كوره‏هاي آزمايش وارد مي‏شوند و سربلند بيرون مي‏آيند و جهان به دوران آرماني و هدفيِ مهدي موعود - ارواحنا فداه - روز به روز نزديك تر مي‏شود. اين، آن اميد بزرگ است.(43)

انتظار و اميد، به انسان جرأت اقدام و حركت و نيرو مي‏بخشد و شيعيان و پيروان آن حضرت، بايد كسب آمادگي معنوي، روحي و ايماني را جزو وظايف خود بدانند و سرمايه عظيم اميد، ايمان و نورانيت را در خود ايجاد كنند تا در حركت جهاني امام زمان (عج)، در رديف نزديكان (خواص)، ياران و همكاران آن حضرت قرار گيرند.(44)

هشدار

همه عقايد سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است... ما امروز چقدر بايد هوشيار باشيم؟ دشمنان سراغ مجموعه احكام و مقرّرات اسلام رفتند. هر عقيده، هر توصيه‏اي از شرع مقدّس كه در زندگي و سرنوشت آينده فرد و جماعت و امّت اسلامي، تأثير مثبت بارزي داشته است و به نحوي با آن كلنجار رفتند ، تا اگر بتوانند، آن را از بين ببرند، [و] اگر نتوانند، روي محتوايش كار كنند!

خوب ، ممكن است شما بگوييد كه مگر دشمن چه كاره است؟ چطور دشمن مي‏تواند عقايد اسلامي را كاري كند كه از استفاده مردم خارج بشود ؟ نه، اين خطا است. دشمن مي‏تواند؛ منتهي نه در كوتاه مدّت؛ بلكه در طول سال هاي متمادي. گاهي ده‏ها سال زحمت مي‏كشند، براي اين‏كه بتوانند يك نقطه درخشان را كور يا كم رنگ كنند؛ يا نقطه تاريكي را به وجود بياورند. سال‏هاي متمادي مي‏نشينند و پول خرج مي‏كنند! يكي زحمت مي‏كشد و تلاش مي‏كند؛ ولي توفيق پيدا نمي‏كند، بعد از او كسان ديگري مي‏آيند . روي عقايد دنياي اسلام، از اين گونه كارها خيلي شده است. روي عقيده توحيد، عقيده امامت، روي اخلاقيات اسلامي (معناي صبر، معناي توكل، معناي قناعت) كار كرده‏اند!

همه اينها نقاط برجسته‏اي هستند كه اگر ما مسلمان‏ها، درست به حقيقت اينها توجّه بكنيم، تبديل به يك موتور حركت دهنده جامعه اسلامي مي‏شود؛ولي وقتي روي آن كار كردند و آن را خراب و معناي آن را عوض كردند و در ذهن‏ها به صورت ديگري جا انداختند، همين موتور محرّك، به يك داروي مخدّر و خواب آور تبديل مي‏شود. اين گونه است!

در مورد ماجراي اعتقاد به مهدي موعود (عج)؛ يعني، اين‏كه در آخرالزّمان از خاندان پيامبر(ص) ، شخصي ظهور مي‏كند كه دنيا را از عدل، از دادگستري و از نيكي پر مي‏كند. تبعيض‏ها، ظلم‏ها، سوء استفاده‏ها و فاصله‏هاي طبقاتي را از بين مي‏برد؛ نيز خيلي كار كرده‏اند .

اين عقيده كه همه مسلمان‏ها هم به آن معتقدند... از آن عقايد بسيار كارگشا است كه به دليل همين كه كارگشا است، دشمن از يك طرف و البته دوستان نادان هم از يك طرف؛ گاهي دوستان نادان از روي ناداني و بر اثر بي‏توجّهي، كاري مي‏كنند كه هيچ دشمن دانايي به آن خوبي نمي‏تواند ضربه بزند !

حالا بحث ما در مورد دشمنان دانا است؛ سراغ اين عقيده آمدند. من سندي را ديدم كه مربوط به ده‏ها سال قبل؛ يعني، آن اوايلي است كه استعمار وارد شمال آفريقا شده بود، چون كشورهاي شمال آفريقا؛ خيلي گرايش به اهل بيت(ع) دارند.

حالا مذهبشان هر مذهبي از مذاهب اسلامي كه هست؛ امّا محبّ اهل بيت‏اند. اين كشورهاي سودان و مغرب و اينها عقيده به مهدويّت در آن جاها خيلي پر رنگ است. آن زماني كه استعمار وارد آن مناطق شد - كه ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - يكي از چيزهايي كه مزاحم استعمار بود، عقيده به ((مهدويّت)) بود !

بنده سندي را ديدم كه آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعماري، توصيه مي‏كنند كه ما بايد كاري بكنيم كه اين عقيده به ((مهدويت)) به تدريج از بين مردم زايل بشود! آن روز استعمارگرهاي فرانسوي واستعمارگرهاي انگليسي، در بعضي جاهاي آن مناطق بودند - فرقي نمي‏كند كه استعمار از كجا باشد - استعمارگرهاي خارجي قضاوتشان اين بود كه تا وقتي عقيده به ((مهدويت)) در بين اين مردم رايج است؛ ما نمي‏توانيم اينها را درست در اختيار بگيريم !

ببينيد، عقيده به ((مهدويت)) چقدر مهم است! چقدر خطا مي‏كنند كساني كه به اسم روشنفكري و به اسم تجدّدطلبي، مي‏آيند و عقايد اسلامي را بدون مطالعه، بدون اطّلاع، بدون اين‏كه بدانند دارند چه كار مي‏كنند، مورد ترديد و تشكيك قرار مي‏دهند! اينها همان كاري را كه دشمن مي‏خواهد، راحت انجام مي‏دهند!

... چند خصوصيت در اين عقيده مهدويت هست، كه اين خصوصيات براي هر ملّتي، در حكم خون در كالبد و در حكم روح در جسم است. يكي، ((اميد)) است. گاهي اوقات دست‏هاي قلدر و قدرتمند، ملّت‏هاي ضعيف را به جايي مي‏رسانند كه اميدشان را از دست مي‏دهند. وقتي اميد را از دست دادند، ديگر هيچ اقدام نمي‏كنند؛ مي‏گويند چه فايده‏اي دارد؟ ما كه ديگر كار از كارمان گذشته است، با چه كسي در بيفتيم؟ چه اقدامي بكنيم؟ براي چه تلاشي بكنيم؟ ما كه ديگر نمي‏توانيم !

اين روح نااميدي است؛ استعمار اين را مي‏خواهد. امروز استكبار جهاني مايل است كه ملت‏هاي مسلمان و از جمله ملّت عزيز ايران، دچار اين حالت بشوند (روح نااميدي). اي آقا! ديگر نمي‏شود كاري كرد! ديگر فايده‏اي ندارد! مي‏خواهند اين را به زور در مردم تزريق كنند. ماها كه در جريان خبرهاي تبليغاتي و زهرآگين دشمنان قرار داريم؛ به عيان مي‏بينيم كه اغلب اين خبرهايي كه تنظيم مي‏كنند، براي مأيوس كردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأيوس كنند؛ متديّنين را از گسترش دين مأيوس كنند؛ آزادي‏طلب‏ها و علاقه‏مندان به مسائل فرهنگي و مسائل سياسي را از امكان كار سياسي يا كار فرهنگي مأيوس كنند. آينده را در نظر افرادي كه چشم به آينده دوخته‏اند، تيره وتار جلوه بدهند!

براي چي ؟ براي اين كه اين مجموعه انساني كه دارد با اميد كار مي‏كند، اين جوشش و اين اميد را از او بگيرند. آن را به يك موجود مرده، يا شبيه مرده تبديل بكنند، تا بتوانند هركاري كه مايلند انجام بدهند! بايك ملت زنده كه نمي‏توانند هركاري كه بخواهند، انجام دهند. يك جسم بيهوش مدهوش بي‏حسي كه آن‏جا افتاده است، هركس هرچه دلش خواست، مي‏تواند به او تزريق كند. با او هركاري مي‏تواند بكند؛ اما با يك موجود سرحال زنده باهوش متحرك و فعّال كه نمي‏توانند هركاري را انجام بدهند!

...امروز هر نَفَسي، هر حنجره‏اي كه براي نااميد كردن مردم بدمد، بدانيد كه اين حنجره در اختيار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمي كه كلمه‏اي را در جهت نا اميد و مأيوس كردن مردم روي كاغذ بياورد، اين قلم متعلق به دشمن است؛ چه صاحب اين قلم بداند، چه نداند ! دشمن از او استفاده مي‏كند.

... البته وقتي نتوانستند اين عقيده را از مردم بگيرند؛ سعي مي‏كنند آن‏را در ذهن‏هاي مردم خراب كنند. خراب كردن اين عقيده چگونه است؟ به اين صورت است كه بگويند: خب آقا مي‏آيد، همه كارها را درست مي‏كند! اين خراب كردن عقيده است. اين تبديل كردن يك داروي مقوّي، به يك داروي مخدر و خواب آور است. خود آقا مي‏آيد، انجام مي‏دهد؛ يعني چه؟ امروز تكليف شما چيست؟ شما امروز بايد چه بكني؟ شما بايد زمينه را آماده كني تا آن بزرگوار، بتواند بيايد و در آن زمينه آماده اقدام بكند.(45)

مبناي كار قدرت‏هاي طاغوتي بر اين است كه فروغ اميد را در دل‏ها بميرانند و همه اميدها را به يك نقطه مادي؛ يعني، پول و زخارف كم ارزش دنيا متمركز كنند كه سر رشته آن نيز در دست خود آنها است.

همه چيز را با حسابهاي كمّي و پولي محاسبه مي‏كنند و معنويات را از حساب خارج مي‏كنند و به ويژه مي‏كوشند كه آن آينده موعود را از چشم ملت‏ها دور نگه‏دارند؛ اما ملت‏ها بايد اميدوار باشند تا اين اراده تكويني الهي تحقق پيدا كند.(46)

...اعتقاد به مهدي موعود (عج)، شيعه را تا امروز از آن همه پيچ و خم‏هاي عجيب و غريبي كه در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندي اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شيعه ايران است. هرجا كه چنين اعتقادي باشد، همين اميد و مبارزه وجود دارد.

به همين خاطر، يكي از اساسي‏ترين كارهاي استعمار واستكبار و ايادي آنها، اين بوده است كه عقيده اميد و مبارزه را در دل مردم از بين ببرند. بارها خواسته‏اند اين چراغ را خاموش كنند؛ ولي نتوانسته‏اند.

ما مي‏دانيم كه استعمار و استكبار، چه تلاشي را در اين جهت - نه فقط در ايران بلكه در سطح دنياي اسلام - انجام داده است؛ تا اين چراغ را خاموش كند. در يك گزارش بسيار مهمي كه مربوط به سال‏ها قبل است و جديد نيست؛ تلاش گروه‏هاي تبليغي مسيحيت را كه از اروپا به سمت شمال آفريقا اعزام مي‏شدند تا جاده استعمار را در آن‏جا صاف كنند، نشان داده بود. يكي از غصّه‏هاي دين داران دنيا، اين است كه قدرت‏مندان مسلّط بر كشورهاي مسيحي، تبليغ علي الظاهر دين مسيح در سطح دنيا را، وسيله‏اي براي پيش بردن ماشين استعمار قرار دادند و اينها جاده صاف كن استعمار شدند. گروه‏هاي تبليغي وبه اصطلاح تبشيري را، به عنوان تبليغ مسيحيت - كه ظاهرش تبليغ مسيحيت بود؛ اما باطن قضيه اين بود كه راه را باز كنند تا استعمارگران اروپايي از كشورهاي مختلف اروپاي آن روز، وارد كشورهاي اسلامي بشوند و قدرت سياسي را قبضه كنند - به اطراف دنيا فرستادند و متأسفانه در بسياري از جاها هم موفق شدند.

اين گزارش، مربوط به گروه‏هاي تبليغي در شمال آفريقا است. گزارشگر مي‏نويسد :

((يكي از مشكلات ما در سر راه تبليغ مسيحيت وپيشرفت استعمار در شمال آفريقا ومنطقه تونس و مغرب، اين است كه اين مردم اعتقاد دارند كه ((مهدي موعود)) خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد كرد)).

گزارشگر، اين را در گزارش رسمي خود مي‏نويسد وبراي آن هيأتي كه مسؤول رسيدگي به اين كارهاست، مي‏فرستد.

بنابراين ،نفس اعتقاد به مهدي موعود (عج)، باعث ايجاد مشكل براي استكبار و استعمار شده بود؛ در حالي كه اعتقادي كه برادران ما در آن مناطق دنيا دارند، به روشني و وضوح اعتقادي كه ما امروز در اين‏جا داريم، نيست؛ بلكه بيشتر، ابهامات و كلي گويي وجود دارد تا تعيين مصداق و مورد و نام و خصوصيات. در عين حال، استعماگران از اين اميد ترسيدند.

در همين كشور خود ما، يكي از بزرگان علما وروحانيون محترمي كه امروز بحمدالله در ميان ما هستند وبركات وجود ايشان باز هم شامل حال مردم مي‏شود؛ براي من نقل مي‏كردند كه در اوايل روي كار آمدن رژيم منحوس و فاسد و وابسته پهلوي، آن كودتاگر بي سواد فاقد هرگونه معرفت و معنويت، يكي از آخوندهاي وابسته به دربار را صدا كرد و از او پرسيد: اين قضيه امام زمان چيست كه اين گونه مشكلاتي براي ما درست كرده است؟ اين آخوند هم بر طبق دل و ميل او، جوابي مي‏گويد و آن قلدر هم مأموريت مي‏دهد كه برويد، مسأله را حل و تمام كنيد واين اعتقاد را از دل مردم بيرون بياوريد!! او مي‏گويد : اين كار آسان نيست و خيلي مشكلات دارد و بايد كم كم وبا مقدمات شروع كنيم. البته آن مقدّمات به فضل پروردگار و با هوشياري علماي رباني و آگاهان اين كشور، در آن دوران ناكام ماند و نتوانستند آن نقشه شوم را عملي كنند. در كشور ما، يك كودتاچي غاصب، از طرف دستگاه‏هاي قدرت استعماري، مأموريت داشت كه بيايد ايران را قبضه كند و كشور را دو دستي تحويل دشمن بدهد و براي آن كه بتواند بر اين مردم مسلط بشود، يكي از مقدّمات لازمش اين بود كه عقيده به مهدي موعود (عج) را از ذهن مردم پاك كند.(47)

دشمنانِ تفكر و اعتقاد به مهدويت - كه اين انديشه را به زيان خود مي‏دانند - همواره تلاش كرده‏اند تا آن‏را از اذهان مردم بزدايند ويا مفاهيم اعتقاد به مهدويت را تحريف كنند؛ لذا امروز در نقطه مقابل اين تلاش دشمنان، بايد در جهت اعتقاد و عمل و تبليغ و تبيين حقيقت ((مهدويت)) حركت كنيم.(48)

استكبار جهاني و صهيونيزم در تلاش هستند تا ملتهاي تحت سيطره آنان، به وضع تحميل شده عادت كنند و آن را رنگي ثابت، ابدي و تغييرناپذير بپندارند. قدرت‏هاي استكباري خواهان غفلت، خواب آلوده بودن، نداشتن آرمان ونيز عدم تحرك ملت‏ها هستند و چنين وضعي را بهشت خود مي‏دانند؛ امّا انتظار فرج موجب مي‏شود كه انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعي بهتر وبرتر دست پيدا كند.(49)

اگر فطرت انساني، تحت فشار قدرت‏هاي استكباري، مسخ و لگدمال نشود؛ دل‏ها به طور فطري و طبيعي منتظر چنان آينده‏اي (محيطي آكنده از عدل واقعي) است و بدون ترديد آن قدرت متّكي بر عدل مطلق الهي، پرچم خواهد برافراشت.

...قدرت جهنّمي استكبار و صهيونيزم، امروز با تكيه بر پول وتبليغات واستفاده از شعارهاي ظاهر فريب (مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسي ملت‏ها) براي تحميل ظلم بر ملت‏ها و ترويج فساد، دورويي، تزوير و رياكاري و نفاق در جوامع بشري تلاش مي‏كند و در طول تاريخ، چنين شرايطي وجود نداشته است؛ اما براي تحقق ظهور امام زمان (عج)، وجود ظلم و جور، شرط كافي نيست و وجود انسان‏هاي صالح، انگيزه‏هاي قوي، ايمان‏هاي راسخ، گام‏هاي استوار و دل‏هاي روشن نيز لازم و ضروري‏است.(50)

دشمن‏ترين اشخاص با اين عقيده وبا شخص آن بزرگوار ،ستمگران عالم‏اند از روز غيبت آن حضرت - بلكه از روز ولادت آن حضرت - تا امروز؛ آن كساني كه وجودشان با ستم و با زورگويي همراه بوده، به دشمني با اين بزرگوار، با اين پديده الهي، با اين نور وبا اين شمشير الهي مشغول شدند. امروز هم مستكبرين وستمگران عالم ،با اين فكر واين عقيده، مخالف و دشمن‏اند. مي‏دانند كه اين عقيده و اين عشق - كه در دل‏هاي مسلمين، به خصوص در دل هاي شيعه است - براي هدف‏هاي ستمگرانه آنها مزاحم است.(51)

ميراث برِ همه پيامبران‏

جامعه ((مهدوي))، (يعني، آن دنيايي كه امام زمان (عج) مي‏آيد تا آن دنيا را بسازد)، همان جامعه‏اي است كه همه پيامبران براي تأمين آن در عالم ظهور كردند. يعني همه پيغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه ايده آل انساني - كه بالأخره به وسيله ولي عصر و مهدي موعود (عج) در اين عالم پديد خواهد آمد و پايه گذاري خواهد شد - به وجود بيايد . مانند يك بناي مرتفعي كه كسي مي‏آيد، زمين آن را تسطيح مي‏كند و خار و خاشاك را از آن مي‏كند. كس ديگري پس از او مي‏آيد و زمين را براي پايه ريزي، مي‏كَند و گود مي‏كند. كس ديگري پس از او مي‏آيد، تا پايه‏ها را شالوده ريزي كند و بلند كند و كس ديگري پس از او مي‏آيد تا ديوارها را بچيند و يكي پس از ديگري، مأموران و مسؤولان مي‏آيند تا اين كاخ مرتفع، اين بنيان رفيع، به تدريج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود.

انبياي الهي(ع)، از آغاز تاريخ بشريت، يكي پس از ديگري آمدند تا جامعه را و بشريت را قدم به قدم به آن جامعه آرماني و آن هدف نهايي، نزديك كنند.انبيا همه موفق شدند .حتي يك نفر از رسولان الهي هم در اين راه و در اين مسير ناكام نماند. باري بود كه بر دوش اين مأموران عالي مقام، نهاده شده بود. هر كدام قدمي آن بار را به مقصد و سر منزل نزديك كردند؛ كوشش كردند؛ هرچه توان داشتند، به كار برند. آن وقتي كه عمر آنان سر آمد؛ اين بار را ديگري از دست آنان گرفت و همچنان قدمي و مسافتي آن را به مقصد نزديك تر كرد. ولي عصر - صلوات اللَّه عليه - ميراث بر همه پيامبران الهي است كه مي‏آيد و گام آخر را در ايجاد آن جامعه الهي بر مي‏دارد.(52)

آن جامعه‏اي كه در دوران ظهور حضرت ولي عصر (عج) به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‏اي است كه همه پيغمبران الهي براي تهيه مقدمات آن از جانب الهي مبعوث شدند؛ يعني، ايجاد يك جامعه‏اي كه بشريت در آن جامعه بتواند به رشد و كمال متناسب خود برسد. اگر اين آيه قرآن كه درباره بعثت پيامبران مي‏فرمايد: ((لِيَقوُم النّاس بِالقِسط))؛ يعني، پيغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه بشري استوار بشود ، اشاره به هدف بعثت مي‏كند. پس حكومت مهدي (عج) و جامعه مهدوي، همان جامعه‏اي است كه اين هدف را به طور كامل تأمين مي‏كند.(53)

آنچه مسلّم است ، همه پيغمبران و اوليا براي اين آمدند كه پرچم توحيد را در عالم، گسترش بدهند؛ پرچم توحيد را به اهتزاز در آورند و روح توحيد را در زندگي انسان‏ها زنده كنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحيد معنايي ندارد. يكي از نشانه‏ها يا اركان توحيد، نبودن ظلم و نبودن بي‏عدالتي است؛ لذا شما مي‏بينيد كه پيام استقرار عدالت، پيام پيغمبران است. تلاش براي عدالت، كار بزرگ پيغمبران است. انسان‏هاي والا در طول تاريخ، در اين راه تلاش كرده‏اند و بشريت را روز به روز به سمت فهميدن اين حقيقت كه عدالت، سرآمد همه خواسته‏هاي انساني است، نزديك كرده‏اند.

سلسله انبيا، پاك‏ترين و مقدّس‏ترين، نوراني‏ترين انسان‏هاي تمام تاريخ بوده‏اند، در ميان انسان‏هاي پاك و انسان‏هاي والا - كه داراي روح عرشي و خدايي هستند - وجود مقدّس خاتم الانبياء محمّد مصطفي(ص) سرآمد همه، و خاندان پاك و اهل بيت مطهّر او - كه قرآن ، ناطق به اين طهارت و پاكيزگي و آراستگي است - در شمار برترين و بالاترين انسان‏هاي پاك و مطهر و نوراني در همه تاريخ است. زني مثل فاطمه زهرا(س) در همه تاريخ، كيست؟!

انساني مثل علي مرتضي در سرتاسر تاريخ بشريّت، كجا نشان داده مي‏شود؟!

سلسله اهل بيت نبي اكرم(ع) در طول تاريخ، خورشيدهاي فروزاني بوده‏اند كه در معنا توانسته‏اند بشريّت روي زمين را با عالم غيب و با عرش الهي، متصل كنند: ((السَّبَبُ اثُتَّصِلُ بَغَ الاَرضِ وَ اليَ‏ء)). خاندان پيامبر، معدن علم، معدن اخلاق نيكو، معدن ايثار و فداكاري، معدن صدق و صفا و راستي، منبع همه نيكي‏ها و زيبايي‏ها و درخشندگي‏هاي وجود آدمي در هر عصر و عهدي بوده‏اند. هريك چنين خورشيد فروزاني بوده‏اند.

... يكي از آن خورشيدهاي فروزان، به فضل و كمك پروردگار و به اراده الهي، امروز در زمان ما به عنوان ((بقية اللَّه في ارضه))، به عنوان ((حجّة اللَّه علي عباده))، به عنوان ((صاحب زمان)) و ((وليّ مطلق الهي)) در روي زمين وجود دارد. بركات وجود او، انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر مي‏رسد.(54)

بشارت ((اَلَيسَ الصُّبحُ بِقَريب))

امروز ، هم بشريت بيش از بسياري از دوران هاي تاريخ ، دچار ظلم و جور است. از هر پيشرفتي كه امروز بشريّت كرده است ، معرفت پيشرفته‏تر است. ما به زمان ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - اين محبوب حقيقي انسان‏ها نزديك شده‏ايم؛ زيرا معرفت‏ها پيشرفت كرده است.

امروز ذهنيّت بشر، آماده آن است كه بفهمد، بداند و يقين كند كه انسان والايي خواهد آمد و بشريّت را از زير بارهاي ظلم و ستم نجات خواهد داد. همان چيزي كه همه پيغمبران براي آن تلاش كرده‏اند. همان چيزي كه پيغمبر اسلام در آيه قرآن، وعده آن را به مردم داده است: ((وَ يَضَعُ عَشُ‏م ايهُم و الاغلال الَّط كانَت عَلَشِم)). دست قدرت الهي، به وسيله يك انسان عرشي، يك انسان خدايي، يك انسان متّصل به عالم‏هاي غيبي، معنوي و عوالمي كه براي انسان‏هاي كوته نگري مثل ما قابل درك و تشخيص نيست؛ مي‏تواند اين آرزو را براي بشريّت برآورده كند. لذا دل‏ها، شوق‏ها و عشق‏ها به سمت آن نقطه، متوجّه و روز به روز متوجّه‏تر است.(55)

ياران مهدي (عج)

براي تحقّق ظهور امام زمان (عج)، وجود ظلم و جور، شرط كافي نيست و وجود انسان‏هاي صالح، انگيزه‏هاي قوي، ايمان‏هاي راسخ، گام‏هاي استوار و دل‏هاي روشن نيز لازم و ضروري است.(56)

امام زمان (عج)، كساني را لازم دارد كه در مقابل پديده‏هاي تلخ و دشوار، مردّد و متزلزل نشوند و عقب ننشينند تا بتواند با اينها وارد كار عظيمي بشود كه قرار است دنيا را متحوّل كند.

... ايشان بايد در مقابل همه مشكلات بايستند، يك سيستم قوي لازم است كه افراد آن غير متزلزل باشند. بصيرت نافذ و راسخ داشته باشند كه هيچ مشكلي آنان را مردّد نكند و امام عزيز ما اين‏گونه بود... امام زمان (عج) افرادي را لازم دارد آگاه، بصير، خبير، متوكّل به خداي متعال، توجّه كننده به جزئيات و آن‏گاه فداكار، كاردان در اداره جامعه و رزمجو با دشمن.

شما هستيد كه بايد خودتان را بسازيد تا ان‏شاءاللَّه آن عدّه و نصاب لازم در اختيار اراده خالصي قرار بگيرد.(57)

تقوا ، تواضع ، فروتني و گذشت در برابر ضعفا و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران از صفات سربازان امام عصر (عج) مي‏باشد.(58)

زمينه‏هاي ظهور

براي ظهور مهدي موعود - ارواحنافداه - زمينه بايد آماده بشود و آن عبارت از عمل كردن به احكام اسلامي و حاكميت قرآن و اسلام است.(59)

... پس مي‏شود زمينه‏ها را فراهم كرد. وقتي يك چنين زمينه هايي - ان‏شاءاللَّه - گسترش پيدا كند، زمينه ظهور حضرت بقيةاللَّه - ارواحنا فداه - نيز پديد مي‏آيد و مسأله مهدويت - آن آرزوي ديرين بشر و مسلمين - تحقّق پيدا مي‏كند.(60)

شما مردم عزيز - به خصوص شما جوان‏ها - هرچه كه در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و كسب صلاحيت‏ها در وجود خودتان بيشتر تلاش كنيد، اين آينده را نزديك‏تر خواهيد كرد، اينها دست خود ما است.

اگر ما خودمان را به صلاح نزديك كنيم، آن روز نزديك خواهد شد، همچنان كه شهداي ما با فدا كردن جان خودشان، آن روز را نزديك‏تر كردند. آن نسلي كه براي انقلاب، آن فداكاري‏ها را كردند؛ با فداكاري‏هاي خودشان آن آينده را نزديك‏تر كردند. هرچه ما كار خير و اصلاح دروني خود و تلاش براي اصلاح جامعه انجام بدهيم، آن عاقبت را دائماً نزديك‏تر مي‏كنيم.(61)

ما بايد بدانيم كه ظهور ولي عصر - صلوات اللَّه عليه - همان طوري كه با اين انقلاب ما، يك قدم نزديك شد؛ با همين انقلاب ما، باز هم مي‏تواند نزديك‏تر بشود؛ يعني، همين مردمي كه انقلاب كردند و خود را يك قدم به امام زمانشان نزديك كردند؛ مي‏توانند باز هم يك قدم و يك قدم ديگر و يك قدم ديگر، همين مردم خودشان را به امام زمان (عج) نزديك‏تر كنند.

چطور؟ هرچه شما بتوانيد دايره اين مقدار از اسلامي كه من و شما در ايران داريم (مبالغه نمي‏كنيم، اسلام كامل البته نيست؛ امّا بخشي از اسلام را اين ملّت توانسته در ايران پيدا كند)، همين مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانيد در آفاق ديگر عالم ، در كشورهاي ديگر ، در نقاط تاريك و مُظلم ديگر، گسترش و اشاعه بدهيد؛ همان مقدار به ظهور وليّ امر و حجّت عصر (عج)، كمك كرديد و نزديك شديد.(62)

... نزديك شدن ما به امام زمان(عج) يك نزديك شدن معنوي است؛ يعني، شما در هر زماني تا پنج سال ديگر، تا ده سال ديگر، تا صد سال ديگر كه بتوانيد كيفيت و كميّت جامعه اسلامي را افزايش بدهيد، امام زمان - صلوات اللَّه عليه - ظهور خواهد كرد.

اگر بتوانيد در درون خود، جامعه‏تان - همان جامعه انقلابي - تقوا، فضيلت، اخلاق، دين‏داري، زهد، نزديكي معنوي به خدا را در خود و ديگران تأمين كنيد؛ پايه و قاعده ظهور ولي عصر - صلوات اللَّه و سلامه عليه - را مستحكم‏تر كرديد و هرچه بتوانيد از لحاظ كميت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزايش بدهيد، باز به امام زمان و زمان ظهور ولي عصر (عج) نزديك‏تر شديد.

پس ما مي‏توانيم قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاريخ خود را به تاريخ ظهورِ ولي عصر - صلوات اللَّه و سلامه عليه - نزديك كنيم.

نكته دوّم اين است كه ما امروز در انقلاب خودمان، حركت‏ها و روش هايي داريم. اين روش‏ها بايد به كدام سمت حركت كند؟ اين نكته بسيار شايان توجّه است.

ما يك محصّلي را در نظر مي‏گيريم كه اين محصّل مثلاً مي‏خواهد در دانش رياضي استاد بشود؛ حالا مقدّمات كار او را چگونه بايد فراهم كنيم. بايد جهت تعليماتي كه به او مي‏دهيم، جهت رياضي باشد. معنا ندارد كه ما يك نفري را كه مي‏خواهيم رياضي دان بشود ، بياييم درس فقه - مثلاً - به او ياد بدهيم. يا آن كسي كه مي‏خواهد فقيه بشود، بياييم درس طبيعي - مثلاً - به او بدهيم. بايد مقدمات متناسب با نتيجه و غايت باشد .

غايت ، جامعه آرماني مهدوي است. پس ما هم بايد مقدّمات را همان جور فراهم بكنيم . ما بايد با ظلم نسازيم و بايد عليه ظلم، حركت قاطع بكنيم. هر گونه ظلمي و از هر كسي. ما ما بايد جهت خودمان را، جهت اقامه حدود اسلامي قرار بدهيم. در جامعه خودمان، هيچ مجالي به گسترش انديشه غير اسلامي و ضدّ اسلامي ندهيم. نمي‏گويم با زور؛ نمي‏گويم با قهر و غلبه - كه مي‏دانيم با انديشه و فكر، جز از راه انديشه و فكر نمي‏شود مبارزه كرد - بلكه مي‏گويم از راه‏هاي درست و منطقي و معقول، بايد انديشه اسلامي گسترش پيدا كند.

بايد تمام قوانين ما، مقرّرات مملكتي، ادارات دولتي، نهادهاي اجرايي و همه و همه، از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا، اسلامي بشود و به اسلامي شدن روز به روز نزديك‏تر بشود. اين جهتي است كه انتظار ولي عصر (عج) به ما و به حركت ما مي‏دهد. امام زمان (عج) - در دعاي ((ندبه)) مي‏خوانيد كه - در مقابل فسوق، عدوان، طغيان، نفاق مقابله مي‏كند و نفاق و طغيان و عصيان و شقاق و دو دستگي را ريشه كن مي‏كند و ازاله مي‏كند. ما هم بايد در جامعه‏مان، امروز در آن جهت حركت كنيم و پيش برويم. اين است آن چيزي كه ما را به امام زمان - صلوات اللَّه عليه - از لحاظ معنوي نزديك خواهد كرد و جامعه ما را به جامعه ولي عصر - صلوات اللَّه و سلامه عليه - آن جامعه مهدوي علوي توحيدي، نزديك‏تر و نزديك‏تر خواهد كرد.(63)

... وقتي نتوانستند اين عقيده را از مردم بگيرند؛ سعي مي‏كنند آن را در ذهن‏هاي مردم خراب كنند. خراب كردن اين عقيده چگونه است؟ به اين صورت است كه بگويند: خب آقا مي‏آيد، همه كارها را درست مي‏كند!

اين، خراب كردن عقيده است. اين، تبديل كردن موتور متحرّكي، به يك چوب لاي چرخ است. تبديل كردن يك داروي مقوّي، به يك داروي مخدّر و خواب‏آور است. خود آقا مي‏آيد، انجام مي‏دهد؛ يعني چه؟! امروز تكليف شما چيست؟ شما امروز بايد چه بكني؟ شما بايد زمينه را آماده كني، تا آن بزرگوار بتواند بيايد و در آن زمينه آماده، اقدام بكند. از صفر كه نمي‏شود شروع كرد! جامعه‏اي مي‏تواند پذيراي مهدي موعود - ارواحنا فداه - باشد كه در او آمادگي و قابليّت باشد؛ و الاّ مثل انبيا و اولياي طول تاريخ مي‏شود .

چه علّتي داشت كه بسياري از انبياي بزرگ اولي العزم، آمدند و نتوانستند دنيا را از بدي‏ها ، پاك و پيراسته كنند؟ چرا؟ چون زمينه‏ها آماده نبود.

چرا اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب(ع) در زمان خودش - با آن قدرت الهي، با آن علم متّصل به معدن الهي ، با آن نيروي اراده ، با آن زيبايي‏ها و درخشندگي‏هايي كه در شخصيت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصيه‏هاي پيامبر اكرم(ع) درباره او - در همين مدّت كوتاه، نتوانست ريشه بدي را بخشكاند؟

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند: ((قُتِلَ ص‏ تِرابِ عِبادَتِهِ لِشِدَّةِ عَدلِهِ)). تاوان عدالت اميرالمؤمنين(ع)، جان اميرالمؤمنين بود كه از دست رفت ! چرا ؟ چون زمينه ، زمينه نا مساعد بود. زمينه را نا مساعد كرده بودند. زمينه را زمينه دنياطلبي كرده بودند! آن كساني كه در مقابل اميرالمؤمنين(ع)، صف‏آرايي كرده بودند - در اواخر حكومت اين بزرگوار، يا در اواسط - كساني بودند كه زمينه‏هاي ديني آنها، زمينه‏هاي مستحكم و ماده غليظ متناسب ديني نبود .

عدم آمادگي، اين طور فاجعه به بار مي‏آورد! آن وقت اگر امام زمان (عج) در يك دنياي بدون آمادگي تشريف بياورند، همان خواهد شد! بايد آمادگي باشد. اين آمادگي چگونه است؟ اين، هماني است كه شما نمونه هايي از آن را در جامعه خودتان مشاهده مي‏كنيد. امروز در ايران اسلامي، چيزهايي از درخشندگيهاي معنوي وجود دارد كه در هيچ جاي دنيا نيست - تا آن‏جايي كه ما خبر و گزارش و اطّلاع داريم، از قضاياي دنيا بي خبر هم نيستيم - امروز در كجاي دنيا، جوان‏هايي پيدا مي‏شوند كه روي شهوات نفس و روي مادّي‏گري پا بگذارند و سراغ معنويات بروند؟ البته گاهي يك جوان، دو جوان، يا يك آدم استثنايي گوشه‏اي هست، همه جاي دنيا پيدا مي‏شود؛ امّا اين كه عدّه عظيمي از يك نسل، اين طور باشند، كجاي دنيا هست؟(64)

مهدويت وانقلاب اسلامي ايران

... اولين قدم براي حاكميت اسلام و براي نزديك شدن ملّت‏هاي مسلمان به عهد ظهور مهدي موعود - ارواحنا فداه و عجل اللَّه فرجه - به وسيله ملّت ايران برداشته شده است و آن، ايجاد حاكميّت قرآن است.(65)

شعارهايي كه امام زمان - عليه الصلوة والسلام و عجل الله تعالي فرجه - بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد كرد؛ امروز شعارهاي مردم ما است، شعارهاي يك كشور و يك دولت است. اين خودش يك گام بسيار بلندي، به سوي اهداف امام زمان (عج) است.

يك روزي شعار توحيد ، شعار معنويّت ، شعار دين داري ، در دنيا منسوخ شده بود. سعي كرده بودند به طور كلّي، آن را به دست فراموشي بسپارند؛ امّا امروز در اين منطقه عالم، اين شعارها، شعارهاي رسمي حكومت است، شعارهاي رسمي اداره كشور و آحاد ملّت است. علاوه بر اين، اين شعارها، آرزوي ملّت‏هاي مسلمان در بسياري از كشورهاي دنيا است، و اين شعارها، يك روز تحقّق پيدا خواهد كرد. اين زمينه‏ها وقتي آماده شد - آن وقتي كه معلوم شد در مقابل قدرت مادّي مستكبران عالم، زمينه اين وجود دارد كه آحاد بشر، بتوانند بر روي حرف حقّ خود بايستند - آن روز، روز ظهور امام زمان (عج) است. آن روز، روزي است كه منجي عالم بشريت، به فضل پروردگار ظهور كند و پيام او، همه دل‏هاي مستعد را - كه در همه جاي جهان هستند - به خود جذب كند و آن وقت ديگر قدرت‏هاي ستمگر ، قدرت‏هاي زورگو ، قدرتهاي متّكي به زر و زور، نتوانند حقيقت را - آن‏چناني كه قبل از آن هميشه كرده‏اند - با فشار زر و زور خود، به عقب بنشانند يا مكتوم نگه‏دارند.(66)

انقلاب ما در راه آن هدفي كه امام زمان(عج)، براي تأمين آن هدف مبعوث مي‏شود و ظاهر مي‏شود، يك مقدّمه لازم و يك گام بزرگ بوده [است‏]. ما اگر اين گام بزرگ را بر نمي‏داشتيم، يقيناً ظهور ولي عصر - صلوات الله عليه و عجل الله تعالي فرجه الشريف - به عقب مي‏افتاد. شما مردم ايران و شما مادران شهيد داده و پدران داغدار و افرادي كه در طول اين مبارزه زحمت كشيديد، بدانيد و شما اي امام بزرگوار امّت! بدانيد - كه بهتر از ما مي‏دانيد - شما موجب پيشرفت حركت انسانيّت به سوي سر منزل تاريخ و موجب تسريع در ظهور ولي عصر - صلوات الله عليه - شديد. شما يك قدم، اين بار را به منزل نزديك‏تر كرديد. با اين انقلاب كه مانع را - كه همان دستگاه و نظام پليد ظلم در اين گوشه دنيا بود و سرطان بسيار خطرناك و موذي و آزار دهنده‏اي بود - اين را كنديد و قلع و قمع كرديد. خوب، حالا بعد از اين چه كنيم؟ بعد از اين تكليف ما روشن است.

ما بايد بدانيم كه ظهور ولي عصر - صلوات الله عليه - همان طوري كه با اين انقلاب ما يك قدم نزديك شد؛ با همين انقلاب ما باز هم مي‏تواند نزديك‏تر بشود؛ يعني، همين مردمي كه انقلاب كردند و خود را يك قدم به امام زمانشان نزديك كردند، مي‏توانند باز هم يك قدم و يك قدم ديگر و يك قدم ديگر، همين مردم خودشان را به امام زمان (عج) نزديك‏تر كنند.(67)

همه خصوصياتي كه در ظهور مهدي (عج) هست ، در يك مقياس كوچك در انقلاب اسلامي ملّت ايران هم هست. در آن‏جا هم مخاطبِ حضرت بقية اللَّه همه مردم عالم‏اند، يعني، در آن لحظه‏اي كه به خانه كعبه پشت مي‏دهد و تكيه مي‏كند و دعوت خود را با صداي بلند فرياد مي‏كند، صدا مي‏زند: ((يا اَهلَ العارَ)).

انقلاب اسلامي ما هم از آغاز، اعلام كرد كه مخصوص يك ملّت و يك قوم و يك كشور نيست. همچناني كه آن بزرگوار با همه قدرت‏هاي بزرگ جهان، ستيزه مي‏كند و در مي‏افتد، انقلاب ما هم با دست خالي و فقط با تكيه به نيروي ايمان با همه قدرت‏هاي عظيم جهاني مقابل شد. همان طوري كه ظهور حضرت مهدي (عج) همه حساب‏هاي مادّي و معمولي را به هم مي‏ريزد؛ انقلاب ما هم همه حساب‏ها را به هم ريخت. امروز با انقلاب اسلامي ما - كه در خط ايجاد عدالت در سطح جهان است - انقلاب حضرت مهدي (عج) يك گام بزرگ به هدف خود نزديك شد. نه فقط به وجود آمدن حكومت اسلامي، آن عاقبت موعود را به عقب نمي‏اندازد؛ بلكه آن را تسريع هم مي‏كند و اين است معناي انتظار.(68)

امام زمان (عج)، امانت و گوهر درخشنده عظيم آفرينش در ميان ما، امروز بي‏گمان بيش از هر زمان، متوجّه و مراقب اين ملّت است.(69)

ايمان و اعتقاد به امام زمان (عج) مانع از تسليم شدن است و ملّت هاي با ايماني كه حضور قطب عالم امكان را در ميان خود احساس مي‏كنند؛ از حضور او اميد و نشاط مي‏گيرند و براي مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت مي‏كنند. با تكيه بر همين اميد درخشان بود كه ملّت بزرگ ايران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاريخ بشر و تاريخ اسلام شد.(70)

ملّت منتظر ايران، با تكيه بر اميد به پيشرفت و موفّقيّت، دست به اقدام ، تلاش و انقلاب زد و پيروز شد؛ لذا مردم ما بايد روح انتظار را به تمام معنا، در زندگي خود زنده كنند.(71)

اعتقاد به مهدي موعود (عج)، شيعه را تا امروز از آن همه پيچ و خم‏هاي عجيب و غريبي كه در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزّت و پرچم سربلندي اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شيعه ايران است. هرجا كه چنين اعتقادي باشد، همين اميد و مبارزه وجود دارد.(72)

جامعه مهدوي

...دوراني خواهد رسيد كه قدرت قاهره حق، همه قلّه‏هاي فساد وظلم را از بين خواهد برد وچشم انداز زندگي بشر را، با نور عدالت منوّر خواهد كرد.(73)

...دنياي سرشار از عدالت، پاكي، راستي، معرفت و محبت، دنياي دوران امام زمان (عج) است، كه زندگي بشر هم از آن جا به بعد است. زندگي حقيقي انسان در اين عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان (عج) است كه خدا مي‏داند، بشر در آن‏جا به چه عظمت‏هايي نايل خواهد شد.(74)

انتظار اسلامي؛ يعني، انتظار دنيايي سرشار از عدالت، راستي، صميميت، انسانيت، معنويت، فضيلت و اخلاق انساني صحيح كه در آن حاكميت زر و زور و تبليغات مزوّرانه و خبيثانه رسانه‏هاي جمعي شرق و غرب، راهي ندارد.

... حكومت الهي حضرت بقية اللَّه - ارواحنافداه - حكومتي است كه در آن مقرّرات حاكم بر مردم، خواست آمريكا وديگر قدرت‏هاي زورگوي شرق و غرب نيست، بلكه حكومت عدالت، مواسات و مساوات، حكومت معنويت و فضيلت است و امروز هر كسي كه براي عدالت، در راه دين وخدمت به محرومان حركت مي‏كند، بايد خوشحال و اميدوار باشد؛ زيرا آينده متعلق به او است.(75)

ظهور حضرت بقيه اللَّه امام زمان (عج) و ايجاد محيطي آكنده از عدل واقعي - عدل كامل الهي و اسلامي - بالاترين شرايط زندگي مادي ومعنوي انسان است.

اگر فطرت انساني، تحت فشار قدرت‏هاي استكباري مسخ و لگدمال نشود؛ دل‏ها به طور فطري و طبيعي، منتظر چنان آينده‏اي است و بدون ترديد آن قدرت متكي بر عدل مطلق الهي، پرچم خواهد برافراشت.(76)

حركت جوامع اسلامي و حركت همه جوامع بشري، به سوي خير وصلاح است، به سوي حكومت حق وعدالت است؛ به سوي نابودي خواست‏هاي استبداد است؛ به سوي روي كار آمدن مستضعفان است كه در شكل عادل‏ترينش در دوران ظهور ولي عصر(عج) تأمين مي‏شود.(77)

... در حقيقت آن جامعه‏اي كه در دوران ظهور حضرت ولي عصر (عج) به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‏اي است كه همه پيغمبران الهي، براي تهيه مقدمات آن از جانب الهي مبعوث شدند؛ يعني، ايجاد يك جامعه‏اي كه بشريت در آن جامعه، بتواند به رشد وكمال متناسب خود برسد. اگر اين آيه قرآن كه درباره بعثت پيامبران مي‏فرمايد ((لِيَقوُمَ النَّاسُ بِالقِسطِ))؛ يعني؛ پيغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه بشري استوار بشود، اشاره به هدف بعثت مي‏كند پس حكومت مهدي (عج) و جامعه مهدوي، همان جامعه‏اي است كه اين هدف را، به طور كامل تأمين مي‏كند.(78)

... ولي عصر - صلوات اللَّه عليه - ميراث برِ همه پيامبران الهي است كه مي‏آيد و گام آخر را در ايجاد آن جامعه الهي بر مي‏دارد. مقداري درباره اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البته اگر شما در كتب اسلامي، در متون اصلي اسلامي دقت كنيد، همه خصوصيات آن جامعه به دست مي‏آيد. همين دعاي ندبه‏اي كه در روزهاي جمعه، ان‏شاءالله موفق باشيد و بخوانيد و مي‏خوانيد؛ خصوصيات آن جامعه ذكر شده است. آن‏جايي كه مي‏گويد: ((اَينَ مُعِزُّ الاَولِياءِ وَ مُذِلُّ الاَعداء))؛ مثلاً آن جامعه، جامعه‏اي است كه اولياي خدا در آن عزيزاند و دشمنان خدا در آن ذليل و خواراند؛ يعني، ارزش‏ها و معيارها در آن جامعه، چنين است: ((اَينَ اثُؤمّل لإحياء الكتاب و حدوده)). آن جامعه، جامعه‏اي است كه حدود الهي در آن اقامه مي‏شود؛ يعني، همه حد و مرزهايي كه خدا معين كرده است واسلام معين كرده است، در جامعه زمانِ امام زمان (عج)، آن حد و مرزها مراعات مي‏شود. امام زمان وقتي كه ظهور مي‏كند، جامعه‏اي مي‏سازد كه به طور خلاصه، داراي اين چند خصوصيت است كه من آن را مي‏گويم و شما برادران و خواهران عزيز دقت كنيد. در آيات و در ادعيه كه وارد شده است؛ وقتي مي‏خوانيد، ذهن خود را در اين مورد بازتر و بازتر كنيد. فقط خواندن دعاي ((ندبه)) كافي نيست؛ درس گرفتن و فهميدن آن لازم است.

امام زمان (عج)، جامعه‏اش را بر اين چند پايه بنا مي‏كند:

اوّل بر نابود كردن و قلع و قمع كردن ريشه‏هاي ظلم و طغيان؛ يعني، در جامعه‏اي كه در زمان ولي عصر - صلوات الله عليه - ساخته مي‏شود، بايد ظلم و جور نباشد؛ نه اين‏كه فقط در ايران نباشد ، يا در جوامع مسلمان نشين نباشد، در همه دنيا نباشد. نه ظلم اقتصادي و نه ظلم سياسي و نه ظلم فرهنگي و نه هيچ گونه ستمي در آن جامعه ديگر وجود نخواهد داشت. بايد استثمار و اختلاف طبقاتي و تبعيض و نابرابري و زورگويي و گردن كلفتي و قلدري از عالم ريشه كن بشود (اين خصوصيّت اوّل) دوّم: خصوصيّت جامعه ايده آلي كه امام زمان - صلوات الله عليه - آن را مي‏سازد، بالا رفتن سطح انديشه انسان است؛ هم انديشه علمي انسان و هم انديشه اسلامي انسان؛ يعني، در دوران ولي عصر (عج) شما بايد نشاني از جهل و بي سوادي و فقر فكري و فرهنگي در عالم پيدا نكنيد. آن‏جا مردم مي‏توانند دين را به درستي بشناسند و اين همچناني كه همه مي‏دانيد، يكي از هدف‏هاي بزرگ پيامبران بود كه اميرالمؤمنين - صلوات الله و سلامه عليه - اين را در خطبه نهج البلاغه شريف بيان كرده است: ((وَ يُثفوُا اًَُم دَفائِنَ العُقوُل)).

در روايات ما وارد شده است كه وقتي ولي عصر (عج) ظهور مي‏كند، زني در خانه مي‏نشيند و قرآن را باز مي‏كند و از متن قرآن، حقايق دين را استخراج مي‏كند و مي‏فهمد؛ يعني چه؟ يعني آن‏قدر سطح فرهنگ اسلامي و ديني، بالا مي‏رود كه همه افراد انسان و همه افراد جامعه و زناني كه در ميدان اجتماع هم بر فرض شركت نمي‏كنند و در خانه مي‏نشينند؛ آنها هم مي‏توانند فقيه باشند، دين شناس باشند. مي‏توانند قرآن را باز كنند و خودشان حقايق دين را از قرآن بفهمند و شما ببينيد كه در جامعه‏اي كه همه مردان و زنان در سطوح مختلف، قدرت فهم دين و استنباط از كتاب الهي را دارند، اين جامعه چقدر نوراني است و هيچ نقطه‏اي از ظلمت در اين جامعه ديگر نيست. اين همه اختلاف رويّه، ديگر در آن جامعه معنايي ندارد.

خصوصيّت سوّمي كه جامعه امام زمان (عج)، جامعه مهدوي دارا هست، اين است كه در آن روز، همه نيروهاي طبيعت و همه نيروهاي انساني، استخراج مي‏شود. چيزي در بطن زمين نمي‏ماند كه بشر از آن استفاده نكند. اين همه نيروهاي معطّل طبيعي، اين همه زمين هايي كه مي‏تواند انسان را تغذيه كند؛ اين همه قواي كشف نشده (مانند نيروهايي كه قرن‏ها در تاريخ بود؛ مثلاً نيروي اتم، نيروي برق و الكتريسيته، قرن‏ها بر عمر جهان مي‏گذشت و اين نيروها در بطن طبيعت بود؛ امّا بشر آنها را نمي‏شناخت، بعد يك روزي به تدريج استخراج شد) همه نيروهاي بي شماري كه از اين قبيل در بطن طبيعت هست، در زمان امام زمان (عج) استخراج مي‏شود.

جمله ديگر و خصوصيّت ديگر اين است كه محور در دوران امام زمان (عج)، محور ((فضيلت و اخلاق)) است. هر كس داراي فضيلت اخلاقي بيشتر است، او مقدّم تر و جلوتر است . حالا اگر به آيات وروايات مراجعه بكنيد - كه البته محققين و متتبّعين مراجعه‏كرده‏اند - خصوصيات بيش‏تري را هم پيدا مي‏كنيد.

حالا همين چهار خصوصيت: ((جامعه‏اي كه در آن نشاني از ظلم و طغيان و عدوان و ستم نيست))؛ ((جامعه‏اي كه در آن انديشه ديني وانديشه علمي انسان‏ها در سطح بالا است))، ((جامعه‏اي كه در آن همه بركات و همه نعم و همه نيكي‏ها و زيبايي‏هاي عالم بروز مي‏كند و در اختيار انسان قرار مي‏گيرد)) وبالاخره ((جامعه‏اي كه در آن تقوا و فضيلت و گذشت و ايثار و برادري و مهرباني و يك رنگي اصل و محور است))، يك چنين جامعه‏اي را شما در نظر بگيريد. اين همان جامعه‏اي است كه مهدي موعود ما و امام زمان ما و محبوب تاريخي ديرين ما - كه هم اكنون در زير همين آسمان و بر روي همين زمين زندگي مي‏كند و در ميان انسان‏ها هست - به وجود خواهد آورد و تأمين خواهد كرد.(79)

زيارت

خيلي از بزرگان ما در همين دوران غيبت ،آن عزيز ومحبوب دل‏هاي عاشقان و مشتاقان را از نزديك، زيارت كرده‏اند؛ بسياري از نزديك با او بيعت كرده‏اند؛ بسياري از او سخن دلگرم كننده شنيده‏اند؛ بسياري از او نوازش ديده‏اند وبسياري ديگر بدون اين‏كه او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت ديده و او را نشناخته‏اند. در همين جبهه جنگ تحميلي، جوان‏هايي كه در لحظه‏هاي حساس،احساس نورانيت و معنويت كرده‏اند، لطفي از غيب به سوي دل‏هاي خودشان، حسّ و لمس كردند و نشناختند و نفهميدند؛ بسيارند. امروز هم همان جور است. بسيجيان، ارتباط خاصي با اين نقطه اساسي عواطف دل‏هاي شيعيان و مسلمانان دارند. پيوند ميان بسيجيان عزيز و حضرت ولي عصر ارواحنا فداه - مهدي موعود عزيز - يك پيوند ناگسستني و هميشگي است.(80)

ما هميشه - مخصوصاً در روزهاي جمعه - توسّل و توجّه‏مان را به ولي‏عصر - صلوات الله عليه - فراموش نكنيم. امام زمان (عج) امانت وگوهر درخشنده عظيم آفرينش در ميان ما، امروز بي گمان بيش از هر زمان، متوجّه و مراقب اين ملت است.

اين تجربه تعيين كننده زمان ما، در طول زندگي پربركت ولي عصر - صلوات الله عليه - تا امروز يك تجربه بي نظير بوده است. من در همين روزهاي اخير، احساسي در دلم بود كه اين احساس را به بعضي از دوستان هم گفتم وبه شما هم مي‏گويم.

در روز پانزدهم دي (سال 1359)، من اين احساس را در خود ناگهان وجدان كردم كه صاحب اين ميدان، صاحب اين بيابان‏ها، صاحب اين صحنه پر شور و عظيم (اشاره به جبهه‏هاي جنگ تحميلي)، وليّ عصر امام زمان (عج) است و بي گمان امام زمان (عج)، هم اكنون با جسم و حضور جسمي و بدني‏اش، يا با توجه‏اش در ميان اين جنگاوران و جنگجويان است.

امروز در اين جمع عظيم پر معنويت و پر احساس، در ميان جمع شما نمازگزاران (نماز جمعه تهران) - برادران و خواهران - از امام زمان (عج) از صاحب اصلي اين ملت؛ از كسي كه دل‏هاي اين امت متوجّه او است؛ از كسي كه رحمتش ولطفش و عنايتش شامل حال اين ملّت و اين انقلاب بوده است و خواهد بود؛ در حضور شما از اين بنده برگزيده خدا، مي‏خواهم كه توجّه و عنايتش را به اين امتي كه براي دين او و براي آرمان او، اين همه تلاش و فداكاري مي‏كند، منصرف و منعطف نكند و از خداي بزرگ مي‏خواهم كه اين خواسته ما و سلام ما و توجّه و احساس عميق ما را به امام زمانمان ابلاغ كند.(81)

اي سيد و مولاي ما!

اي امام زمان! اي مهدي موعود! [اي ]محبوب اين ملت! اي سلاله پاك پيامبران و اي ميراث برِ همه انقلاب‏هاي توحيدي و جهاني!

اين ملت ما با ياد تو و با نام تو، از آغاز خو گرفته است و لطف تو را در زندگي خود و در وجود خود آزموده است .

اي بنده شايسته صالح خدا! ما امروز محتاج دعايي هستيم كه تو از آن دل پاك الهي و رباني و از آن روح قدسي، براي پيروزي اين ملت و پيروزي اين انقلاب بكني و به دست قدرتي كه خدا در آستين تو قرار داده است، به اين ملت وراه اين امت كمك بفرمايي.

((عَزيزٌ عَلَينا اَن نَري‏ اگَ‏لقَ وَ لا تُري‏)).

اي امام زمان! براي ما خيلي سخت است كه در اين جهان، در اين طبيعت بي پايان - كه متعلق به صالحان است - متعلق به بندگان خدا است، دشمنان خدا را ببينيم، آثار وجود دشمنان خدا را لمس بكنيم؛ اما تو را نبينيم و از نزديك از فيض حضور تو بهره نگيريم!(82)

آخرين جمله را به امام و مقتداي خودمان ولي عصر (عج) عرض كنيم :

اي سيد و مولاي ما!

پيش خداي متعال گواهي بده ،كه ما در راه خدا تا آخرين نفس ايستاديم.

بزرگترين آرزو و افتخار بنده اين است كه در اين راه پر افتخار ،پر فيض، پر بهجت، جان خودم را تقديم كنم.(83)

دعا

ان شاءالله همه شما و همه ما، هم اين توفيق را پيدا كنيم كه روزي در ركاب آن بزرگوار باشيم؛ براي خدا تلاش و مجاهدت كنيم؛ در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهيم وبه فيض شهادت برسيم (بزرگترين شرف و افتخار است). هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غيبت، خداي متعال توفيق بدهد كه ما سربازان آن بزرگوار، متوسّل و متذكّر آن بزرگوار باشيم و انس و رابطه قلبي و روحي با آن بزرگوار داشته باشيم. اگر شما از اين طرف انس داشتيد ، از آن طرف هم جلب توجّه، جلب تذكر و جلب لطف و محبت خواهد شد. اميدوارم ان‏شاءالله همه مشكلات، همه موانع، همه سختي‏ها و رنج‏ها، به بركت اين ارتباط طرفيني، با فضل الهي و با دست قدرت پروردگار از بين برود.(84)

اميدواريم خداي متعال، ادعيه زاكيه و توجهات حضرت ولي عصر (عج) را در حق ملت ايران، در حق شما عزيزان، هميشگي قرار بدهد. دعاهاي آن بزرگوار را در حق همه ما مستجاب كند. ديدار آن بزرگوار را نصيب اين دل ها و چشم‏ها بفرمايد. ما را جزو ياران و همراهان و دوستداران و شيعيان واقعي آن بزرگوار قرار بدهد. ما را در دنيا با آل محمد و در آخرت با آن بزرگواران محشور فرمايد. ما را مسلمان ومؤمن واقعي زنده بدارد و بميراند(85).

پروردگارا! به محمد وآل محمد تو را سوگند مي‏دهيم، دلهاي ما را با ياد امام زمان همواره با طراوت بدار.

پروردگارا! چشم‏هاي ما را به جمال ولي عصر (عج) منوّر بگردان.

پروردگارا! اين جنود اللَّه، اين انسان‏هايي را كه در راه تو مبارزه كرده‏اند، سربازان و جانبازان امام زمان (عج) قرار بده(86).

عاشقانه‏ها

خورشيد من بر آي‏

دل را ز بيخودي سر از خود رميدن است‏ جان را هواي زقفس تن پريدن است‏

از بيم مرگ نيست كه سر داده‏ام فغان بانگ جرس به شوق به منزل رسيدن است‏

دستم نمي‏رسد كه دل از سينه بركنم باري علاج شكر گريبان دريدن است‏

شامم سيه ترست زگيسوي سركشت خورشيد من بر آي كه وقت دميدن است‏

سوي تو اي خلاصه گلزار زندگي مُرغ نگه در آرزوي پركشيدن است‏

بگرفته آب و رنگ زفيض حضور تو هر گل در اين چمن كه سزاوار ديدن است‏

با اهل درد شرح غم خود نمي‏كنم تقدير غصه دل من ناشنيدن است‏

آن را كه لب به دام هوس گشت آشنا روزي ((امين))(87) سزا لب حسرت گزيدن است‏

محراب جمكران

دلم قرار نمي‏گيرد از فغان بي تو سپند وار ز كف داده‏ام عنان بي تو

ز تلخ كامي دوران نشد دلم فارغ‏ ز جام عشق لبي‏تر نكرد، جان بي تو

چو آسمان مه آلوده‏ام ز تنگ دلي‏ پُر است سينه‏ام از اندوه گران بي تو

نسيم صبح نمي‏آورد ترانه شوق سر بهار ندارند بلبلان بي تو

لب از حكايت شبهاي تار مي‏بندم‏ اگر امان دهدم چشم خون فشان بي تو

چو شمع كُشته ندارم شراره‏اي به زبان‏ نمي‏زند سخنم آتشي به جان بي تو

ز بي دلي و خموشي چو نقش تصويرم‏ نمي‏گشايدم از بي خودي زبان بي تو

عقيق سرد به زير زبان تشنه نهم چو يادم آيد از آن شكّرين دهان بي تو

گزارش غم دل را مگر كنم چو ((امين)) جدا ز خلق به محراب جمكران بي تو

( ختامه مسك )

فرمايشات مقام معظم رهبري‏

در جمع اعضاي بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود((عج))

... مسأله [بنياد فرهنگي‏] امام زمان (عج) هم بسيار كار مثبتي است. بسيار كار خوبي است، اين آقا كه پيشنهاد كرده، پيشنهاد بسيار خوب و درستي بوده [است‏]. شما هم كه دنبال كرديد و عمل كرديد، خوب است. آن كساني هم كه در اين زمينه دارند كار مي‏كنند، مورد تأييد هستند. واقعاً افراد فاضل و فهميده‏اي هستند و در اين كارها هم سابقه دارند و بسيار كار خوبي است. ان‏شاءا... كه هر چه بيشتر ادامه بدهيد و يكي از آن سرِ بندها در مفاهيم معرفتي ما، همين مسأله امام زمان (عج) است. مسأله ((مهدويت)) يكي از مسائل محوري و به اصطلاح سرِ بند است كه از آن رشته‏هايي منشعب مي‏شود و خيلي‏ها در فكر افتادند كه اين را از بين ببرند؛ اين فكر را يا تضعيف كنند يا نابود كنند. نابود كردنش را مرحوم آقاي فلسفي، ماجراي مفصلي را از رضا خان نقل مي‏كرد كه كسي را از معممين آن وقت خواست و گفت: تمامش كنيد و او گفت: سخت است. بعد [رضاخان ]گفت: حالا پس شما به عنوان مقدمه، فلان مسأله ديگر را مطرح كنيد اگر عكس العملي پيدا نكرد، بعد اين را مطرح كنيد.

پيداست كه دستگاه‏هاي قدرت به اين مسأله به شدت اهتمام دارند.

لذاست كه هر چه اين مسأله را پي‏گيري كنند و متين، معقول، صحيح پي بگيرند؛ خيلي خوب است، كه البته كارهاي خوبي هم الآن مشغول‏اند، كارهاي بسيار جالبي، عميقي دارند انجام مي‏دهند. بعضي از دوستان ما يك دائرةالمعارفي در اين زمينه دارند درست مي‏كنند.

اين‏جا هم باز سعي شود به كم قانع نشويد. گاهي ممكن است يك حرفي، يك دلي را جذب كند؛ اما دو تا دل ديگر را ممكن است زده كند. اينها هر چه به ميان آورده نشود، بهتر است. حالا گيرم يك نفري هم با اين، يك اعتقادي پيدا كند، اگر ديديم كه پايه هايش محكم نيست، اين حرف، چه به صورت معجزه [يا... اگرچه ]ديديم يك چند نفر را ممكن است [تحت تأثير قرار دهد]، اينها را خارج كنيم؛ احتياجي نداريم. حرف‏هاي منطقي محكم قوي فراوان داريم، حتي در مسائل مربوط به ديدار حضرت و ملاقات با حضرت، اين‏قدر حرف‏هاي قويِ خوب هست؛ نقل‏هاي درست، متقن كه هر وقت، هر كسي آن‏را مي‏خواند، دلش قُرص است كه اين درست است. از اين نقل‏هاي ضعيف و... هر چه كه اجتناب شود، بهتر است. هم‏چناني كه از روايات ضعيف هر چه در اين مسأله اجتناب شود، خيلي خوب است. روايات قوي داريم؛ روايات صحاح داريم، چيزهاي خيلي محكم داريم، علاوه بر استدلالات عقلاني و كلامي.(88)

----------------

پي‏نوشت‏ها:

1) روزنامه جمهوري اسلامي 4/9/78.

2) روزنامه رسالت 16/10/74.

3) سخنراني جشن بزرگ منتظران ظهور 3/9/78.

4) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

5) جمهوري اسلامي 19/10/74.

6) خطبه نماز جمعه 19/10/59.

7) رسالت 26/9/76.

8) جمهوري اسلامي 19/10/74.

9) رسالت 16/10/74.

10) جمهوري اسلامي 19/10/74.

11) رسالت 26/9/76.

12) سخنراني جشن بزرگ منتظران ظهور 3/9/78.

13) جمهوري اسلامي 19/10/74.

14) جمهوري اسلامي 15/9/77.

15) سخنراني قم 30/11/70.

16) خطبه نماز جمعه 29/3/60.

17) سخنراني 25/9/76.

18) جمهوري اسلامي 19/10/74.

19) جمهوري اسلامي 15/9/77.

20) سخنراني قم 30/11/77.

21) جشن بزرگ منتظران ظهور 3/9/78.

22) سخنراني اصفهان 8/8/80.

23) سخنراني نجف آباد 10/8/80.

24) جمهوري اسلامي 19/10/74.

25) سخنراني روز ميلاد 17/10/74.

26) جشن بزرگ منتظران ظهور 3/9/78.

27) همان.

28) كيهان 8/10/75.

29) جمهوري اسلامي 15/9/77.

30) رسالت 23/12/68.

31) جمهوري اسلامي 19/10/74.

32) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

33) خطبه نماز جمعه 29/3/60.

34) كيهان 8/10/75.

35) همان.

36) كيهان هوايي 12/10/75.

37) سخنراني قم 30/11/70.

38) جهان اسلام 9/11/72.

39) كيهان 12/12/69.

40) جمهوري اسلامي 15/9/77.

41) جمهوري اسلامي 23/8/79.

42) سخنراني قم 30/11/70.

43) سخنراني قم 30/11/70.

44) جهان اسلام 9/11/72.

45) رسالت 26/9/76.

46) ويژه نامه صبح وصال نيمه شعبان 1418.

47) جمهوري اسلامي 19/10/74.

48) جهان اسلام 9/11/72.

49) كيهان 8/10/75.

50) همان.

51) جمهوري اسلامي 15/9/77.

52) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

53) خطبه نماز جمعه 29/3/60.

54) جمهوري اسلامي 4/9/78.

55) همان.

56) كيهان 8/10/75.

57) رسالت 7/2/65.

58) پيام به مناسبت هفته بسيج 4/9/62.

59) سخنراني قم 30/11/70.

60) سخنراني 25/9/76.

61) جمهوري اسلامي 23/8/79.

62) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

63) همان.

64) رسالت 26/9/76.

65) سخنراني قم 30/11/70.

66) جمهوري اسلامي 23/8/79.

67) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

68) خطبه نماز جمعه 29/3/60.

69) خطبه نماز جمعه 19/10/59.

70) رسالت 16/10/74.

71) كيهان 12/12/69.

72) جمهوري اسلامي 19/10/74.

73) سخنراني قم، 30 / 11 / 70.

74) خطبه نماز جمعه 26/1/79.

75) كيهان 28/10/73.

76) كيهان 8/10/75.

77) نيمه شعبان مشهد 7/3/62.

78) خطبه نماز جمعه 29/3/60.

79) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

80) جمهوري اسلامي 4/9/78.

81) خطبه نماز جمعه 19/10/59.

82) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

83) سخنراني در مورد وقايع كوي دانشگاه تهران 20/4/78.

84) سخنراني 25/9/76.

85) جمهوري اسلامي 23/8/79.

86) خطبه نماز جمعه 6/4/59.

87) تخلّص شعري مقام معظّم رهبري.

88) پنج شنبه 6 / 10 / 80.